





# فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران



مقدمه



## برای فلسفه ، تا کنون تعاریف و برداشت های گوناگونی ارائه شده است

بدیهی است بسته به اینکه فلسفه را با کدام معنا و برداشت در نظر بگیریم ، تعریف ما از فلسفه تربیت نیز متفاوت خواهد بود

اگر فلسفه را "روشن تفکر" تعریف نماییم ، در آن صورت ، تعریف فلسفه تربیت "روشن تفکر در باب تربیت" خواهد بود.

اگر فلسفه را "رسته ای که به بررسی تأثیر هستی شناسی ، انسان شناسی و شناخت شناسی بر موضوعات اساسی زندگی می پردازد" در نظر بگیریم ، در آن صورت ، تعریف فلسفه تربیت به صورت "بررسی تأثیر هستی شناسی ، انسان شناسی و ... بر تربیت" جلوه گر خواهد شد.

مثال

برای فلسفه ، تعاریف دیگری همچون **روشنگری مفاهیم از راه تحلیل آنها ، تامل نظام دار در باره جهان و انسان ، مطالعه و تفکر در موضوعاتی انتزاعی همچون ذهن ، ماده ، عقل و مانند آن** نیز ارائه شده است



## تعریف منتخب از فلسفه

بررسی عقلانی چیستی ، چرایی و چگونگی یک پدیده یا یک موضوع

می توان پیش بینی نمود که **موضوع اصلی** فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران نیز چیزی جز "بررسی عقلانی چیستی ، چرایی و چگونگی تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران" نباشد .





سوال  
اول

چنین فلسفه تربیتی به چه دردی می خورد ؟

اگر کشور یا جامعه ای فلسفه تربیت (رسمی و عمومی) نداشته باشد چه اتفاقی می افتد ؟

سوال  
دوم

چرا باید دانشجومعلم ( در هر رشته ای) با فلسفه تربیت کشور خود آشنا باشند ؟

اگر معلمان و مسئولان تربیتی فلسفه تربیت کشور خود را ندانند چه مشکل یا مشکلاتی ممکن است به وجود آید ؟

فلسفه  
تربیت  
رسمی و  
عمومی  
ج.ا.ا

۲

**پاسخ به سوال نخست :** با توجه به تعریف منتخب از فلسفه تربیت ( یعنی بررسی چیستی ، چرایی و چگونگی تربیت ) چندان مشکل به نظر نمی رسد . فلسفه تربیت به طور عام و فلسفه تربیت رسمی و عمومی به طور خاص را با نظر به تعریف و هدف آنها می توان به **نقشه راهی** تشبیه نمود که بدون آن پا گذاشتن در مسیر تربیت افراد ، سرانجام و حاصلی جز سردرگمی ، اتلاف منابع و ضایع نمودن عمر انسان ها در بر نخواهد داشت .

★ اولین و مهم ترین کارکرد فلسفه تربیت ( رسمی و عمومی ) مشخص ساختن و بیان این موضوعات است که می خواهیم در تربیت به کجا برسیم و در این راه چه باید بکنیم و چگونه ؟

★ فلسفه تربیت در قدم اول وضع مطلوب و یا همان اهداف تربیت را ( در آینده ) و اینکه چه باید کرد را بیان می نماید این کارکرد فلسفه تربیت را می توان کارکرد تبیینی- تجویزی نام نهاد ؛ تبیین با توصیف و دلایل ( هست ها و چرا ها ) سرو کار دارد و تجویز با باید ها.

★ کارکرد دیگر فلسفه تربیت که از آن با نام کارکرد تحلیلی - انتقادی نام برده می شود به نقد مفاهیم ، اهداف و روش های موجود ( حال حاضر ) در تربیت کشور مربوط می شود.

وجود فلسفه تربیت ( رسمی و عمومی ) برای تربیت یک جامعه ضروری است زیرا هم راه را نشان می دهد ، هم امکان ارزیابی و نقد راه رفته را فراهم می سازد و هم ابزار لازم را برای امتحان کردن بهترین مسیرها در اختیار متولیان قرار می دهد

**پاسخ به سوال دوم :** اگر کشوری فلسفه تربیت داشته باشد ، اما دست اندکاران امر تربیت در آن کشور ( به ویژه معلمان و مدیران ) از فلسفه تربیت جامعه خود مطلع نباشند و یا به آن پایبند نباشند ، آیا سرنوشتی جز گسیختگی اجتماعی ، بی برنامه‌گی ، بی سرانجامی و در یک کلام عقب ماندگی ، واپس گرایی و نا امیدی در انتظار آن جامعه خواهد بود ؟ معلم و مدیر و مسئولی که نمی داند در دورنمای تربیت می خواهد به کجا برسد و چه به دست آورد و چه نسلی را تربیت کند ، چگونه می تواند راهنمای خیل عظیمی از فرزندان یک مملکت گردد و برای آنها برنامه ریزی نماید ؟

**معلمان رسمی در یک کشور به نوعی مالک و صاحب تربیت در آن کشور تلقی می شوند**

با این توضیح ، در ادامه به تبیین و تشریح هر یک از جنبه های فلسفه تربیت رسمی و عمومی ، یعنی چیستی ، چرایی و چگونگی آن خواهیم پرداخت و مسائل حاشیه ای مربوط به هر یک را مورد بررسی دقیق تر و جزئی تر قرار خواهیم داد.